

مطالعه توسعه شهری اصفهان از دوره شاهعباس یکم تا دوره شاهعباس دوم با تأکید بر نقش زایندهرود

مریم رضایی پور*
محمدرضا فرزاد بهتاش**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۸

چکیده

اصفهان اگرچه از پیش از دوره صفوی شهری واجد اهمیت بود، بخش بزرگی از اعتبار خود را مدیون برگزیده شدن به عنوان پایتخت در این دوره است. این اتفاق به دلایل عمدتاً امنیتی در سال یازدهم حکومت شاهعباس یکم (حک ۱۰۳۸-۹۹۶ق) رخ داد و به دنبال آن تغییراتی در جهت عمران و بهسازی شهری در اصفهان صورت گرفت. نتیجه مداخله‌های شهری دوره شاهعباس یکم، توسعه شهری اصفهان به سمت جنوب بود که با محوریت خیابان چهارباغ از زایندهرود عبور می‌کرد و تا نزدیکی کوه صفا تداوم می‌یافت. بیشترین مطالعات انجام شده در خصوص توسعه اصفهان به ساخت‌وسازهای دوره شاهعباس یکم اختصاص دارد که تشکیل دهنده بخش‌های مهمی از تصویر اصفهان صفوی است. این در صورتی است که به نظر می‌رسد اصفهان صفوی توسعه‌ای یکباره نداشته و در دوره‌های پس از شاهعباس یکم نیز، هم در بخش دولتخانه و هم در حاشیه زایندهرود، تغییرات و افزوده‌هایی به بخش‌های سلطنتی رخ داده است. هدف این مقاله، بررسی سیر توسعه دولتخانه اصفهان پس از دوره شاهعباس یکم با تکیه بر نقش منظر زایندهرود در آن است. در این مقاله تلاش شده است تا با نگاهی کیفی و به روش توصیفی تاریخی بر اساس وقایع تاریخی و اسناد موجود، به تغییرات شهری رخ داده در بازه زمانی سال‌های ۱۰۰۶ق- پایتختی اصفهان در زمان شاهعباس یکم- تا ۱۰۷۷ق- پایان حکومت شاهعباس دوم- پرداخته شود. نتایج حاکی از آن است که اگرچه از ابتدای پایتختی اصفهان طرح‌هایی برای توسعه شهری موجود بوده، این طرح‌ها و برنامه‌ها تا پایان حکومت شاهعباس یکم، به توسعه طولی شهر عمدتاً به سوی جنوب منتج شده است. در دوره‌های بعدی تا انتهای حکومت شاهعباس دوم (حک ۱۰۵۲-۱۰۷۷ق)، حدود توسعه شهری اندکی تغییر کرد؛ به طوری که حاشیه زایندهرود به مکانی برای استقرار دولتخانه نوظهور تبدیل شد. این در حالی است که بخش عمده توسعه عرضی اصفهان ماحصل افزوده‌های صفوی به دلیل حضور زایندهرود و علاقه شاهعباس دوم به برگزاری جشن‌هایی در حاشیه آن بوده است.

کلیدواژه‌ها:

زایندهرود، اصفهان صفوی، توسعه شهری، شاهعباس یکم، شاهعباس دوم.

* دانشجوی دکترای شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، نویسنده مسئول، mrezaipoor@yahoo.com
** استادیار، دانشکده فنی مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

پرسش‌های پژوهش

۱. نقش ساخت‌وسازهای حکومتی در توسعه شهری اصفهان از زمان شاه‌عباس یکم تا پایان دوره شاه‌عباس

دوم چه بوده است؟

۲. نقش منظر طبیعی زاینده‌رود در توسعه شهری اصفهان در دوره شاه‌عباس دوم چه بوده است؟

مقدمه

پیش از آنکه اصفهان مقر اصلی حکومت صفوی در زمان شاه‌عباس قرار گیرد، اسکندربیک ترکمان مکرراً به حضور شاه در این شهر اشاره می‌کند، اما به‌طور رسمی سال یازدهم حکومت شاه‌عباس یعنی ۱۰۰۶ق را سالی می‌داند که دارالسلطنه از قزوین به اصفهان منتقل شد (ترکمان ۱۳۴۸، ۵۴۴). اسکندربیک ترکمان در کتاب *عالم‌آرای عباسی* که به دستور شاه‌عباس یکم نگارش شد، در خصوص ساخت‌وسازهای شاه و کثرت آبادانی و کارهای عمرانی می‌نویسد.^۱ این ساخت‌وسازها با احداث میدان نقش جهان که در شمال آن سردر قیصریه در ابتدای بازار ساخته شده بود، در واقع نقطه اتصال شهر قدیم سلجوقی به شهر نوین صفوی را رقم زد. از سوی دیگر، شاه‌عباس یکم با احداث خیابان چهارباغ در بخش غربی دولتخانه‌اش که آن‌هم در جبهه غربی میدان واقع شده بود، تلاش کرد تا شهر اصفهان را به سمت جنوب گسترش دهد. این خیابان که از زاینده‌رود با احداث سی‌وسه پل گذر می‌کرد تا باغ هزارجریب در جایی نزدیک به کوه صفا تداوم می‌یافت. در آن زمان، خیابان چهارباغ به مکانی خارج از شهر می‌رفت و با احداث آن سه محله در حاشیه زاینده‌رود برای تبریزیان، ارمنه و زرتشتیان به وجود آمد. از سوی دیگر، منابع تاریخی اشاره به این موضوع دارند که در زمان جانشینان شاه‌عباس یکم از جمله نوه‌اش سلطان صفی (حک ۱۰۳۸-۱۰۵۲ق) عمارت آینه‌خانه در حاشیه زاینده‌رود ساخته شد. ساخت تالار آینه‌خانه در حاشیه جنوبی زاینده‌رود، مقدمه‌ای برای تداوم ساخت‌وسازها در حاشیه زاینده‌رود در زمان فرزند سلطان صفی یعنی شاه‌عباس دوم را فراهم آورد. بنا بر منابع تاریخی، مجموعه‌ای در محله زرتشتیان (گبرآباد) به دستور شاه‌عباس دوم ساخته شد که مشتمل بر باغی وسیع در دو سوی زاینده‌رود با پل‌ها و عمارت‌های گوناگون و نیز خیابانی بود که دولتخانه قدیم را به آن متصل می‌ساخت؛ مجموعه یادشده باغ سعادت‌آباد نام گرفت. این ساخت‌وسازها در حاشیه زاینده‌رود، نقطه عطفی در توسعه شهر اصفهان بود؛ در همین زمان بخش‌هایی به دولتخانه قدیم افزوده شد و تحولاتی ساختاری در آن مکان نیز صورت پذیرفت. همچنین شاه‌عباس دوم در دوره‌ای، دولتخانه خود را به مکانی در باغ سعادت‌آباد منتقل ساخت؛ بنابراین، در زمان شاه‌عباس دوم دو دولتخانه در اصفهان وجود داشت. در این مقاله تلاش شده است ضمن بررسی تحولات رخ داده در اصفهان در دوره‌ای هفتادساله از زمان پایتختی آن در زمان شاه‌عباس یکم تا پایان حکومت شاه‌عباس دوم، به برخی از دلایل ساخت‌وسازهای جدید پرداخته شود. در عین حال، تلاش شده است تا نقش منظر طبیعی زاینده‌رود در شکل‌گیری مجموعه باغ سعادت‌آباد مورد بازبینی قرار گیرد.

مطالعات انجام‌شده در خصوص اصفهان، اگرچه بسیار وسیع و توسط صاحب‌نظران داخلی و خارجی از زوایای گوناگون صورت گرفته، همواره یا در اکثر موارد، توسعه اصفهان مرهون اقدامات شاه‌عباس یکم دانسته شده؛ به‌ویژه با احداث خیابان چهارباغ که سبب توسعه شمالی جنوبی شهر شده است. بنابراین، در این مقاله ضمن بررسی روند توسعه در اصفهان در بازه زمانی یادشده، تلاش شده است بخش دیگری از توسعه‌های سلطنتی مورد مطالعه قرار گیرد که حاشیه زاینده‌رود را هدف قرار داد و جهت تازه‌ای از توسعه را در اندکی بیش از هفتاد سال برای شهر اصفهان رقم زد. شالوده اصلی مطالعات انجام‌شده در این مقاله، منابع تاریخی دوره‌های شاه‌عباس یکم، شاه‌صفی و شاه‌عباس دوم هستند که طیف وسیعی از متون نثر و نظم به همراه توصیف‌ها، تصاویر و نقشه‌های ارائه‌شده توسط جهانگردان، بازرگانان و سفرایی را که در آن دوره و دوره‌های بعدی از ایران بازدید کردند شامل می‌شود. برخی از ترسیم‌های ارائه‌شده توسط «ویلیام اوزلی»^۲ که در زمان فتحعلی‌شاه قاجار (حک ۱۲۱۲-۱۲۵۰ق) به ایران آمد و مدتی را در باغ سعادت‌آباد اقامت داشت، پیش از این مورد مطالعه قرار نگرفته است. سپس تلاش شده است تا با کنار هم قرار دادن

و تحلیل مدارک موجود، تصویری از روند تغییرات صورت گرفته در دوره زمانی یادشده ارائه شود. به همین منظور، در ابتدا تصویری از توسعه شهر اصفهان در دوره شاه عباس یکم ارائه خواهد شد. به دنبال آن تحولات صورت گرفته در دوره شاه صفی یعنی نخستین ساخت‌وسازهای حاشیه زاینده‌رود، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در بخش سوم مقاله، دو موضوع تحولات رخ داده در دولتخانه قدیم و سرانجام ساخت‌وسازهای حاشیه زاینده‌رود در مجاورت منظر طبیعی زاینده‌رود مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱. پیشینه تحقیق: نگاهی به مطالعات اصفهان صفوی

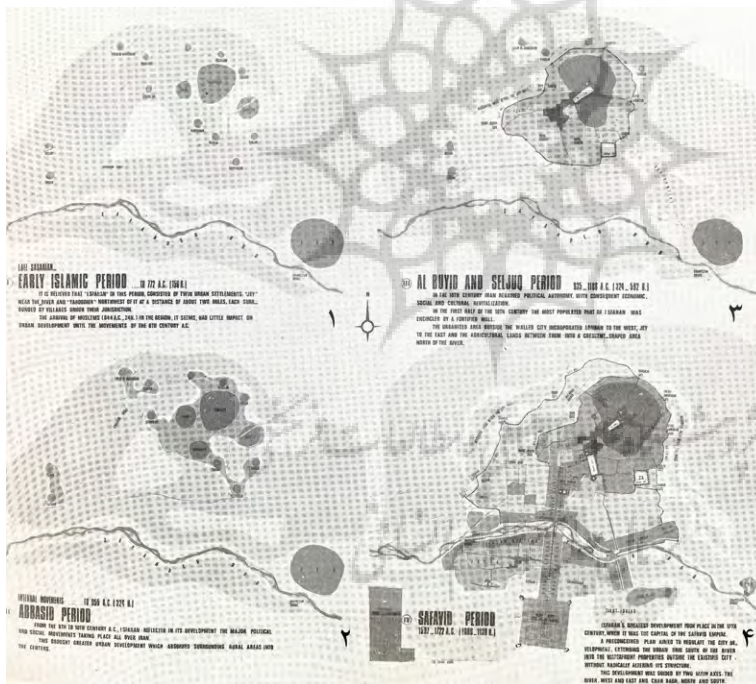
مطالعات انجام شده در خصوص شهر تاریخی اصفهان، به‌ویژه دوره پایتختی آن در زمان حکومت پادشاهان صفوی بسیارند؛ این مطالعات به دلیل اهمیت شهر اصفهان، از زوایای گوناگون به مطالعه کاملی از بناهای شهر اصفهان در دوره‌های گوناگون پرداخته‌اند. برخی از اندیشمندان همچون لطف‌الله هنرفر، به مطالعه کاملی از بناهای شهر اصفهان در دوره‌های گوناگون تاریخی پرداخته‌اند؛ در همین رابطه، اطلاعات ارزشمندی را از آثار دوره‌های شاه عباس یکم و شاه عباس دوم در کتاب «گنجینه آثار تاریخی اصفهان» ارائه کرده است (هنرفر ۱۳۵۰). این اطلاعات تاریخ شکل‌گیری برخی از ابنیه و نمایی کلی از موقعیت استقرار آن‌ها در دولتخانه‌های قدیم و جدید را به دست می‌دهد. برخی دیگر از مطالعات نقش زاینده‌رود و نحوه تعامل آن با شهر تاریخی اصفهان را مورد مذاقه قرار داده‌اند؛ اسپونر به‌خوبی به نقش اکولوژیکی زاینده‌رود در شکل‌گیری هسته‌های زیستی اولیه در ناحیه اصفهان اشاره کرده و به دلایل توسعه شهر پس از انتخاب آن به‌عنوان پایتخت در زمان صفویه پرداخته است (Spooner 1974). در مقاله «سیر تحول محیط زاینده‌رود و تعامل آن با شهر تاریخی اصفهان»، نویسندگان تلاش کردند نقش زاینده‌رود را در شکل‌گیری و توسعه منظر شهری از پیش از دوره صفویه تا پایان دوره مذکور مورد بررسی قرار دهند و نیز اشاره‌ای به نحوه تقسیم و توسعه آب توسط شبکه مادی‌ها داشته باشند (عمرانی‌پور و محمدرادی ۱۳۹۰). آیت‌الله‌زاده شیرازی نیز علاوه بر اشاره به نقش دو عامل فرهنگ و طبیعت در شکل‌گیری اصفهان صفوی، دوران پساصفوی در اصفهان را مورد نقد قرار داده و تلاش کرده اهمیت این دوره تاریخی را در طراحی‌ها و برنامه‌ریزی‌های اصفهان گوشزد کند (آیت‌الله‌زاده شیرازی ۱۳۸۲). وهرام نیز با استفاده از منابع تاریخی و نیز با استناد به سفرنامه‌های جهانگردان خارجی تلاش کرده است تا نحوه توسعه کالبدی شهر اصفهان را مورد بررسی قرار دهد (وهرام ۱۳۷۱).

برخی دیگر از محققان، افزون بر توجه به گسترش کالبدی شهر، به برخی اهداف سیاسی و اندیشه‌های حاکم بر توسعه شهری پرداخته‌اند؛ در میان این محققان می‌توان به ژان برینیولی اشاره کرد. برینیولی با مطالعه اندیشه‌های شاه‌عباس یکم در ساختن بخش صفوی اصفهان تلاش کرده شهر را از حیث الگوهای اسلامی به‌کار گرفته شده در آن و الگوهایی که از شرق و غرب فلات ایران وام گرفته شده، بررسی کند (برینیولی ۱۳۸۵). مهوش عالمی نیز مطالعات وسیعی را در خصوص باغ‌های صفوی انجام داده که بخش عمده آن به اصفهان اختصاص یافته است؛ او سعی کرده باغ‌ها را از نقطه‌نظرها و وجوه گوناگون تاریخی، کالبدی، سیاسی، اجتماعی و از همه مهم‌تر، منظر و نقش آن‌ها در شهر بررسی و گونه‌های باغ‌سازی در زمان صفویه را معرفی کند.^۳ در خصوص باغ سعادت‌آباد، شهیدی مارنانی مطالعات کاملی را با استناد بر اشعار تأثیر تبریزی و تطبیق آن با تصویری مندرج در کتاب ژان شاردن انجام داده و تلاش کرده تا از این طریق به معرفی کالبدی بخش جنوبی باغ سعادت‌آباد بپردازد (شهیدی‌مارنانی ۱۳۹۵).

۲. نگاهی به اصفهان پیش از صفوی و نسبت زاینده‌رود با شهر

موقعیت شهری اصفهان و واقع شدن آن در بخش مرکزی فلات ایران و نیز بهره‌گیری از منبع آب طبیعی چون زاینده‌رود و به دنبال آن ایجاد نظام آبرسانی پیشرفته، امکان سکونت بشر را در آن از دیرباز مهیا کرده بود. اسپونر معتقد است حضور زاینده‌رود به‌تنهایی نمی‌تواند دلیلی بر تبدیل اصفهان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شهرهای جنوب غربی آسیا باشد، اما بدون شک اصفهان بدون وجود چنین منبع آبی چنین توسعه‌ای نمی‌یافت (Spooner 1974, 685-686). شهر

همواره دارای تعامل با رودخانه بوده است، به طوری که هسته نخستین سکونتگاهی آن یعنی «جی» جایی در کرانه زاینده رود، پدید آمد و هسته دیگر یعنی «یهودیه» در جایی در شمال زاینده رود، در حوالی مکان مسجد جامع سلجوقی شکل گرفت. این هسته‌ها به مرور توسعه یافتند، به طوری که در دوره‌های آل بویه و سلجوقی، اصفهان به یک شهر توسعه یافته تبدیل شد و در دوره سلجوقی به عنوان پایتخت برگزیده شد. اسپونر علاوه بر حضور زاینده رود به دو عامل محیطی دیگر، یعنی استقرار در مرکز فلات ایران و نیز بهره‌مندی از خاک آبرفتی حاصلخیز را عامل توسعه شهر تا پیش از دوره صفویه می‌داند (همان، ۶۹۹). این توسعه همچنان در شمال زاینده رود و با فاصله از آن ادامه یافت، اما همواره میل به نزدیک‌تر شدن به کرانه رودخانه در شکل شهر قابل مشاهده بود. تا آنکه در دوره صفویه توسعه شهر به سمت زاینده رود پیش رفت و با عبور از آن تا نزدیکی کوه صفا تداوم یافت. ضمن آنکه هسته شهری جی دست‌کم تا دوره صفوی همچنان به صورت لکه‌ای بر کرانه شمالی زاینده رود باقی ماند^۴ (تصویر ۱). اسپونر معتقد است علاوه بر عوامل طبیعی که در گسترش شهر اصفهان دخیل بودند، انتخاب شهر به عنوان پایتخت سبب شد تا در دوره صفویه اصفهان در اوج ترقی و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی قرار بگیرد. وی اصفهان را یکی از توسعه یافته‌ترین شهرهای پیشامدرن دانسته است (همان، ۶۹۹-۷۰۳). شیرازی توسعه شهر در اصفهان صفوی را وامدار دو عامل می‌داند: یکی شهر قدیم و فرهنگ جاری در آن، که پیش از شکل گرفته بود، و دومی حضور زاینده رود به مثابه عنصری طبیعی (شیرازی، ۱۳۸۲، ۳ و ۴).



تصویر ۱: سیر توسعه شهر اصفهان به ترتیب از قرون اولیه اسلامی (۱)، دوره عباسی (۲)، دوره‌های آل بویه و سلجوقی (۳) و دوره صفوی (۴)
(The Ministry of Culture and Arts of Iran 1974)

۳. توسعه اصفهان در دوره شاه عباس یکم

بیشترین گسترش و نوسازی اصفهان در دوره شاه عباس یکم اتفاق افتاد. هرچند برخی مستندات تاریخی به تلاش‌های پیش از شاه عباس برای پایتخت شدن اصفهان اشاره دارد، این انتقال رسماً در سال یازدهم حکومت وی یعنی در ۱۰۰۶ق روی داد.^۵ اسکندربیک ترکمان در *عالم‌آرای عباسی* به ساخت‌وسازهای عمده این دوره اشاره کرده است؛ در

توصیف‌های اسکندریبگ، ابتدا به میدان نقش جهان اشاره شده است که محل اتصال شهر جدید به شهر سلجوقی محسوب می‌شد. او سپس از مدرسه، بیمارستان، حمام، بازار، بالاخانه‌های دور میدان که محل استقرار سربازان بود و کاروان‌سراهای عالی نام می‌برد که این تسهیلات همگی در جداره‌های میدان جای گرفته بودند (ترکمان ۱۳۴۸، ۱۱۱۰ و ۱۱۱۱). در ابتدای حکومت شاه‌عباس، میدان دارای یک رواق یک‌طبقه بود. در سال ۱۰۱۰ق، اصلاحات بیشتری در میدان کردند تا بازرگانان و خریداران را جذب کنند و طبقه دیگری به جداره آن افزودند (عالی ۱۳۸۷، ۵۸). علاوه بر وجه اقتصادی پراهمیتی که به آن اشاره شد، میدان یکی از ارکان اصلی حضور دولتمردان صفوی و از جمله شخص شاه بود؛ این میدان محل برگزاری بسیاری از رویدادهای عمومی از جمله جشن‌ها، مراسم آتش‌بازی، مراسم رسمی استقبال از اشخاص عالی‌مرتب، ورزش‌های جمعی همچون چوگان و قبق‌اندازی^۶ بود؛ علاوه بر برگزاری جشن‌ها، شاه‌عباس در برپایی مراسم محرم در میدان نیز اهتمام تمام می‌ورزید (همان، ۶۱). میدان ضمن برخورداری از کارکردهای متنوع، مکانی به‌غایت زیبا بود که به‌گفته دل‌واله زیبایی آن مرهون توازن اجزای جداره‌ها و تداوم آن‌ها و بهره‌گیری از عناصر طبیعی همچون جوی آب و درختان چنار حاشیه آن در کنار بناها بود (دل‌واله ۱۳۴۸، ۳۷ و ۳۸).

در ادامه، اسکندریبگ از عمارت پنج طبقه دولتخانه که مقر حکومت است نیز در جانب غربی میدان نقش جهان به‌انضمام حوضخانه‌های عالی در شهر یاد می‌کند و به دولتخانه و حرمسراهای پشت آن که در ضلع غربی میدان موسوم به سروستان، نگارستان و گلدسته است، اشاره می‌کند. تا اینجا مشخص است که بیشتر اجزای توسعه شهری در جنوب شهر قدیم به‌وسیله ساخت میدان آغاز می‌گردد، سپس در غرب دولتخانه یعنی جبهه غربی میدان، بناهای مفصلی همچون حرمسراها، حیاط‌ها و ابنیه متعدد، تشکیلات وسیعی را به‌سمت غرب میدان گسترش می‌دهند. پس از آن، اسکندریبگ به توصیف خیابان چهارباغ می‌پردازد که در دو جانب آن باغ‌ها و بناهای بسیار عالی و فراوان وجود داشتند. وی به پلی فاخر در وسط خیابان چهارباغ نیز اشاره می‌کند که چهل چشمه آب از آن عبور می‌کرده است. این خیابان یک خیابان شمالی‌جنوبی بوده است که از عمارت درب دولت در شمال آغاز می‌شد، از زاینده‌رود عبور می‌کرد و تا باغ هزارگریب در نزدیکی کوه صفه تداوم می‌یافت (ترکمان ۱۳۴۸، ۱۱۱۱).



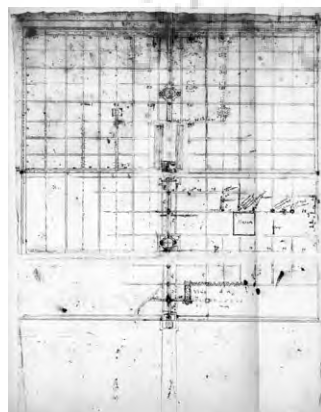
تصویر ۲: میدان نقش جهان در زمان حکومت ناصرالدین شاه قاجار (هولتسر ۱۳۸۲)

احداث خیابان چهارباغ نیز هم‌زمان با میدان در سال یازدهم حکومت شاه‌عباس یکم (۱۰۰۶ق) اتفاق افتاد. اسکندریبگ توصیف دقیقی از این خیابان در زمان شاه‌عباس یکم ارائه کرده است. در این شرح، او به درب دولت در حریم باغ نقش جهان که همان مجموعه باغ‌های سلطنتی شهر اصفهان بوده است، اشاره می‌کند. این درب پشت باغ‌ها و بناهای سلطنتی و در ابتدای شمالی خیابان چهارباغ بوده است. او خیابان چهارباغ را خیابانی فخم و باشکوه دانسته که تا پای کوه در جانب جنوب امتداد می‌یافت. در دو سوی خیابان، باغ‌ها و عمارت‌های مخصوص امرا و اعیان ساکن

در اصفهان قرار داشت؛^۸ هریک از باغ‌ها دارای سردری، ساباطی، کوشک یا همان ایوان، بالاخانه و باغ‌های آن دارای مناظر بدیع و زیبا بودند. علاوه بر آن، تزیینات عالی و نقاشی‌های نفیس برای تکمیل زیبایی در بناهای آن به کار رفته بود. شاه‌عباس شهر را بر اساس باغ طراحی کرده بود. در پایان خیابان، باغی مختص خودش بنا نهاده بود که طبق گفته اسکندربیک ترکمان یک باغ بسیار وسیع بوده که در نُه طبقه ارتفاعی بنا شده بود و در مقابل کوشک آن، حوض بزرگی به هیئت یک دریاچه ساخته شده بود (همان، ۵۴۴ و ۵۴۵). توصیف دلاواله از خیابان چهارباغ نیز که در همان زمان از اصفهان بازدید کرده، بسیار شبیه به آن چیزی است که اسکندربیک شرح داده است؛ یعنی بنا یا بالاخانه‌ای در ابتدای خیابان وجود داشت که به گفته دلاواله پنجره‌های بسیار داشت و توسط راهی به قصر شاه متصل بود.^۹ جداره خیابان را باغ‌های شاهی با سردرهایی نفیس شکل می‌داد. در میانه خیابان سه ردیف جوی با حوض‌هایی تشکیل حضور داشتند که چهار ردیف از درختان چنار بر آن‌ها سایه افکنده بود. دلاواله همچنین به امکان استفاده از باغ‌های حاشیه خیابان به‌منظور تفریح و تفرج همگان اشاره کرده است. پس از آن به این موضوع اشاره کرده که بعد از سی‌وسه پل، خیابان همچنان ادامه می‌یافت که جداره‌های این بخش را عموماً باغ‌هایی متعلق به اعیان و اشراف تشکیل می‌داد و تا باغ عباس‌آباد تداوم می‌یافت (دلاواله ۱۳۴۸، ۳۹-۴۱).



تصویر ۳: راست: پلان خیابان چهارباغ اصفهان ترسیم کست (عالمی ۱۳۸۷)؛ چپ: خیابان چهارباغ در زمان ناصرالدین شاه قاجار (هولتسر ۱۳۸۲).



تصویر ۴: باغ هزارجریب یا عباس‌آباد اصفهان (Alemi 1994)

طبق گفته دلاواله در زمان بازدید او از ایران، خیابان هنوز خارج از شهر بود؛ به عبارت دیگر محلات شهری هنوز شکل نگرفته و در این محدوده کامل نشده بودند.^{۱۰} بیان این موضوع از سوی او نمایانگر آن است که شاه در آن زمان خیابان و باغ‌های محصورکننده آن را برای توسعه شهر اصفهان بنا کرده بود. اسکندربیک هم به شکل‌گیری محله عباس‌آباد که خاص تبریزیان بود در بیرون شهر، هم‌زمان با احداث خیابان اشاره کرده است.^{۱۱} علاوه بر آن در زمان حکومت شاه‌عباس یکم، دو محله جلفا برای ارامنه‌ای که شاه آن‌ها را از گرجستان و ارمنستان کوچانده بود و نیز محله گبرآباد جهت زرتشتیان نیز شکل گرفتند (ورهرام ۱۳۷۱، ۳۸۳)؛ حدود هر سه محله که در حاشیه زاینده‌رود احداث شدند، در تصویر ۶ مشخص شده‌اند (تصویر ۶).

توجه شاه‌عباس به گسترش شهر اصفهان از طریق توسعه میدان، دولتخانه و خیابان انجام شد که به توسعه شمال به جنوب شهر تا نزدیکی کوه صفا انجامید؛ محلات جدید در آن زمان تنها سه محله مذکور را شامل می‌شد که در سفرنامه فیگوئرا از آن‌ها به‌عنوان محله‌های اعیان‌نشین خارج شهر با باغ‌هایی وسیع در اطرافشان یاد شده است. او از این محله‌ها با عنوان شهرک یاد کرده و معتقد است «در میان مناظر زیبایی که از هر نقطه از پل به چشم می‌خورد، جالب‌تر از همه، منظره شهرک‌هایی است که در دست راست پل^{۱۲} در هریک از دو طرف رودخانه قرار گرفته‌اند. شهرکی که از همه به پل نزدیک‌تر است و در طرف شهر اصفهان قرار دارد، شهرک تبریزیان است... شهرک دیگر که روبه‌روی این و در طرف دیگر رودخانه قرار دارد، جلفای جدید است» (فیگوئرا ۱۳۶۳، ۲۲۲). سپس او به این نکته اشاره می‌کند که این دو محله به‌انضمام محله گبرآباد روی هم‌رفته ده هزار خانه دارد و خانه‌های آن بسیار بزرگ‌تر و مجلل‌تر از خانه‌های شهر قدیم اصفهان هستند (همان، ۲۲۵). به نظر می‌رسد با وجود آنکه شاه‌عباس یکم با احداث خیابان چهارباغ به توسعه شمالی جنوبی شهر اصفهان کمک کرد، با احداث محله‌هایی در حاشیه زاینده‌رود، مقدمات توسعه شهر جدید را در امتداد منظر طبیعی رودخانه فراهم آورد. او با احداث باغ مطبق هزارجریب یا عباس‌آباد در انتهای خیابان، ضمن محدود ساختن توسعه به سمت کوه صفا، منظری پدید آورد که به خیابان چهارباغ و نیز رودخانه دارای چشم‌انداز بود.

۴. از شاه‌عباس یکم تا شاه‌عباس دوم: نخستین تلاش‌ها برای ساخت‌وساز در حاشیه زاینده‌رود

از زمان مرگ شاه‌عباس یکم در سال ۱۰۳۸ق تا زمان به حکومت رسیدن شاه‌عباس دوم در سال ۱۰۵۲ق، در دوران چهارده‌ساله حکومت سلطان صفی، به‌رغم آنکه به‌ظاهر تغییرات وسیعی در دولتخانه قدیم صورت نگرفت، برخی منابع همچون ذیل تاریخ عالم‌آرای عباسی به تلاش‌های شاه‌صفی برای انجام ساخت‌وسازهایی در حاشیه زاینده‌رود اشاره کرده است. در ابتدای حکومت شاه‌صفی، جشن نوروز سال ۱۰۳۸ هم‌چنان در باغ نقش جهان که در خصوص آن توضیح داده شد، برگزار گردید (ترکمان و مورخ ۱۳۱۷، ۱۱)؛ پس از آن، دیگر در خصوص دارالسلطنه اصفهان و به‌ویژه ساخت‌وسازهای احتمالی این پادشاه توضیح چندانی ارائه نشده است. در سال ۱۰۴۶ق صفدرخان، ایلچی فرمانفرمای هندوستان به اصفهان آمد و به دستور شاه، ابراهیم سلطان سفره‌چی‌باشی مأمور برگزاری مراسم رسمی استقبال از وی گردید؛ بنا بر توصیفی که محمدیوسف مورخ در ذیل تاریخ عالم‌آرای عباسی ارائه کرده است، «آیین و چراغان قیصریه و چهاربازار و خانات واقعه در اطراف میدان نقش جهان» انجام شد و همچنین «انواع فنون آتش‌بازی در میدان مرتب و مهیا شد» (همان، ۱۹۵).

در مراسم استقبال از ایلچی هندوستان، شاه‌صفی ابتدا وی را در باغ هزارجریب پذیرا شد و سپس مراسم رسمی استقبال با حضور آحاد مردم در خیابان چهارباغ صورت پذیرفت؛ سرانجام به گفته محمدیوسف مورخ، شاه و صفدرخان پس از پیمودن یک فرسنگ به درب دولت رسیدند؛ بعد از چند روز مهمانی‌های مفصل توسط اعیان و اشراف اصفهان، مراسمی در عمارت سردر عالی‌قاو برگزار شد که بخشی از آن آتش‌بازی میانه میدان نقش جهان بود (همان، ۱۹۶-۱۹۸). نکات ذکر شده از آن‌رو اهمیت دارد که ایلچی مذکور ظاهراً مدت طولانی از جمله در مراسم نوروزی سال ۱۰۴۷ نیز در اصفهان حضور داشته است و در بسیاری از مکان‌ها همچون منزل اوان خان ارمنی در حاشیه زاینده‌رود^{۱۳}، باغچه

خلوت‌خانه، باغ بلبل و گلزار همیشه بهار آیین همراه و در معیت شاه بوده است (همان، ۱۹۸-۲۰۱). اما محمدیوسف در جریان توصیف جدال میان یکی از ملازمان صفدرخان با یکی از فرنگیان مستقر در محله آرامنه به مکانی به نام تالار طویله اشاره می‌کند که در کنار زاینده‌رود ساخته شده بود؛ این تالار به احتمال زیاد یکی از قدیمی‌ترین بناهای شاهانه حاشیه زاینده‌رود یعنی تالار آینه‌خانه بوده است (همای ۱۳۸۴، ۲۸۴). باید توجه داشت که این تالار طویله به گفته محمدیوسف مورخ در ذیل تاریخ عالم‌آرای عباسی در کنار زاینده‌رود ساخته شده بود؛ پس با تالار طویله‌ای که در زمان شاه‌عباس دوم در محل دولتخانه ساخته شده و در نقشه میرفندرسکی (تصویر ۶) مشخص شده و شاردن به توصیف دقیق آن پرداخته، تفاوت دارد. در سال ۱۰۴۸ق نیز جشن نوروز در تالار طویله برگزار گردید و در آن ایلچی جدید هندوستان-میرحسینی- و ایلچی فرنگ حضور داشتند (ترکمان و مورخ ۱۳۱۷، ۲۰۹). مطابق با ذیل تاریخ عالم‌آرا جشن نوروز ۱۰۴۹ نیز بر کرانه زاینده‌رود برگزار شده، اما نویسنده از شرح جزئیات بیشتر آن خودداری کرده است. به جز تالار طویله یا آینه‌خانه، سند دیگری از ساخت‌وسازهای احتمالی شاه‌صافی در حاشیه زاینده‌رود در دست نیست.

۵. زاینده‌رود و شکل‌گیری دوره جدیدی از توسعه شهری در دوره شاه‌عباس دوم

حکومت ۲۵ ساله شاه‌عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷ق) بدان سبب حائز اهمیت است که طی این دوره، تغییراتی در شهر اصفهان رخ داده است. البته برخی از این تغییرات در قالب چارچوبی بود که پیش از آن و در دوره شاه‌عباس یکم برنامهریزی شده بود. در این دوره ۲۵ ساله، علاوه بر تغییرات وسیعی که در دولتخانه اتفاق افتاد، برخی فضاها به حاشیه زاینده‌رود افزوده شدند که بعدها به مقر اصلی دولتخانه تبدیل شدند.

۵.۱. بررسی تغییرات میدان و خیابان در زمان شاه‌عباس دوم

شاه‌عباس دوم نیز همانند شاه‌عباس کبیر، مراسم چراغانی و آتش‌بازی را در میدان مقابل دیده عموم مردم صورت می‌داد. برای مثال وحیدقزوینی در عباسنامه برای استقبال از ندرمحمدخان قزوینی، به برگزاری مراسم چراغانی و آتش‌بازی اطراف میدان اشاره کرده است (وحیدقزوینی ۱۳۲۹، ۷۶-۸۰). به نظر می‌رسد شاه‌عباس دوم هم همچون نیای خود به برگزاری مراسم جشن و از جمله جشن‌های منسوب به پادشاهان ایران باستان نیز علاقه‌ای تمام داشت (همان، ۱۹۸ و ۱۹۹). علاوه بر برگزاری مراسم و جشن‌ها و نیز کمان‌داری و قیق‌اندازی، شاه‌عباس دوم به بازی چوگان در عرصه میدان نقش جهان می‌پرداخت (همان، ۲۴۰).

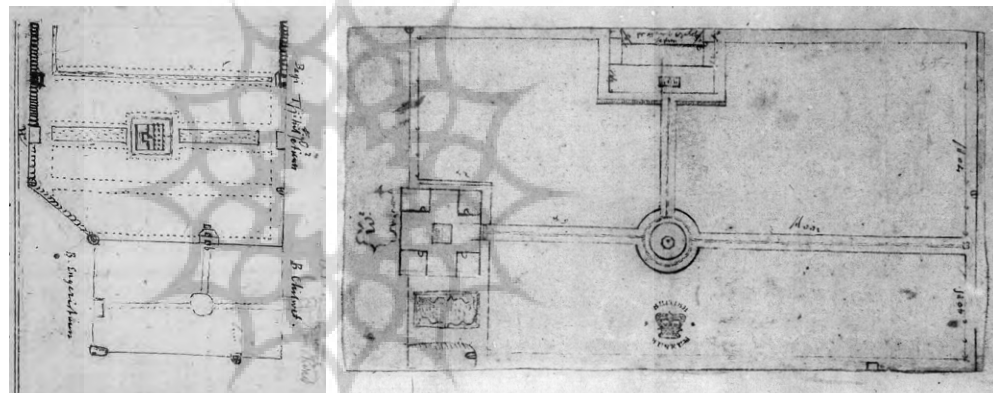
به جز رویدادهایی که محمدطاهر قزوینی در عباسنامه به آن‌ها اشاره می‌کند و محل برگزاری آن‌ها را میدان نقش جهان معرفی می‌کند، به هیچ تغییر خاصی در میدان اشاره نمی‌کند؛ بنابراین بعید به نظر می‌رسد در زمان شاه‌عباس دوم تغییری در ساختار کالبدی فضایی آن رخ داده باشد. «ژان شاردن»^{۱۴} که در همان زمان به ایران مسافرت می‌کند، توصیف کاملی از فضای میدان ارائه می‌کند. توصیف‌های شاردن مطابق با آن چیزی است که دلاواله در زمان شاه‌عباس یکم از میدان شرح می‌دهد. بنابراین به لحاظ ساختار فضایی میدان بدون تغییر باقی مانده بود (شاردن ۱۳۴۵، ۱۰۷-۱۴۵). توصیف‌های ارائه‌شده از سوی شاردن در خصوص خیابان چهارباغ نیز شباهت زیادی با توصیف‌های دلاواله دارد. او به کلاه‌فرنگی مرتفع ابتدای خیابان اشاره می‌کند که به منظور حضور زنان حرم و تماشای رویدادهای واقع در خیابان توسط آن‌ها طراحی شده بود (همان، ۱۷۰ و ۱۷۱). شاردن هم همچون دلاواله با دیدن خیابان چهارباغ اصفهان بر این نکته تأکید می‌کند که این خیابان، زیباترین معبری است که او تاکنون دیده است (همان، ۱۶۹). طبق گفته‌های شاردن، شاکله اصلی خیابان در زمان حکومت شاه‌عباس دوم تغییر چندانی نکرده است؛ تنها به احتمال زیاد، برخی باغ‌ها به خیابان افزوده شده و یا نام برخی از آن‌ها تغییر کرده است؛ شاردن شرح مفصلی از حوض‌های میان خیابان به همراه باغ‌ها و بناهای دو سوی آن‌ها ارائه کرده است (همان، ۱۷۱-۱۷۳).

۵.۲. تغییرات دولتخانه در زمان شاه‌عباس دوم

بیشتر تغییرات اتفاق افتاده بنا بر متون تاریخی، یکی در محدوده دولتخانه یعنی در جهه غربی عالی‌قاپو و دیگری در محله گبرآباد در حاشیه زاینده‌رود اتفاق افتاد. به خاطر داریم که اسکندریبگ تنها از سه باغ در پشت عالی‌قاپو یاد می‌کند:

سروستان، نگارستان و گلدسته که همگی خاص حرم و محل اقامت شاه‌عباس یکم بودند. با توجه به توصیف‌های قزوینی به نظر می‌رسد در تاریخ ۱۰۵۷ق که مربوط به دوره شاه‌عباس دوم است، تعمیرات وسیعی در دولتخانه اتفاق افتاده باشد؛ به‌ویژه تغییر وسیعی در محدوده باغی اتفاق افتاده که شاه‌عباس دوم نام چهل‌ستون را به آن اعطا نموده است. پیش از این در خصوص باغ نقش جهان صحبت شد که در مکان دولتخانه قرار داشت و مقر شاه‌عباس یکم بوده است. قزوینی بیشتر از احداث بنای چهل‌ستون در این تاریخ صحبت می‌کند و به باغ آن نمی‌پردازد (وحیدقزوینی ۱۳۳۹، ۹۰-۹۱). شاردن در سفرنامه خود شرح نسبتاً کاملی از بنای چهل‌ستون و باغ آن ارائه می‌کند؛ او این باغ و بنای میان آن را با عظمت‌ترین قصر سلطنتی می‌داند (شاردن ۱۳۷۲، ۷۷).

علاوه بر احداث بنای چهل‌ستون و باغ آن، مطابق با گفته‌های قزوینی، شاه‌عباس دوم برخی تغییرات در حیاط‌ها و عمارت‌های خلوت خود داده است. این عمارت‌ها مختص اهل حرم و اقامتگاه شاه بود؛ او در این رابطه به باغی موسوم به خلوت‌خانه اشاره کرده که از یک سو مشرف به دیوانخانه و از دیگر سو «ارتفاع به حوضخانه» داشته است (وحیدقزوینی ۱۳۳۹، ۹۰-۹۱). آنچه قزوینی از شرح بنای دولتخانه مبارکه ارائه می‌کند، باغی است که کمپفر آن را در مجاورت باغ چهل‌ستون ترسیم می‌کند که با سردری به آن راه داشته است (تصویر ۵).



تصویر ۵: دو کروکی از انگلبرت کمپفر که در آن‌ها باغ خلوت نمایان است که در مجاورت باغ چهل‌ستون قرار داشته است (Alami 1994).

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۱۷ - بهار و تابستان ۹۹

۱۳۱

همچنین شاردن از احداث باغ و تالاری در دولتخانه به‌منظور انجام مراسم رسمی از جمله پذیرایی از سفرا و فرستادگان سایر کشورها سخن می‌گوید. به گفته او این تالار که یکصدوچهار پا طول و بیست‌وشش پا عرض و بیست‌وپنج پا ارتفاع داشته و سقف آن کاشی‌کاری و ستون‌های آن آکنده از نقاشی و زراندود بوده، در وسط باغی با درختان چنار در حاشیه خیابان‌ها ساخته شده بود (شاردن ۱۳۷۲، ۷۳). شاردن همچنین از استفاده گسترده از دیگر باغ‌ها در بخش دولتخانه برای انجام مراسم بار عام از سوی شاه سخن می‌گوید. برای مثال او به دو عمارت دیگر به شبیه به چهل‌ستون در محدوده دولتخانه اشاره می‌کند، بدون آنکه نام آن‌ها را ذکر کند: «در قصر شاه دو عمارت دیگر شبیه این عمارت [چهل‌ستون] است که هریک در باغ مشجر جداگانه‌ای می‌باشد، یکی تقریباً مانند عمارت پیش گفته است و دیگری دو طبقه که طبقه اول مشتمل بر تالار است و طبقه دوم شامل اتاق‌ها و ایوان‌ها و صندوقخانه‌هاست که در تمام اتاق‌های آن حوض‌های فواره‌دار است. این‌ها عمارت‌های کاخ سلطنتی است که شاه در آن‌ها بار می‌دهد و چنان‌که پیش‌تر مذکور شد، هریک در وسط باغی است و با به‌سمت باغی بازمی‌گردد» (همان، ۷۹-۸۰).

اگرچه شاردن وارد باغ حرم شاه نشده بود، تا آنجا که توانسته سعی در به تصویر کشیدن این باغ کرده است. او از سه خیابان بزرگ در این باغ یاد می‌کند که هر کدام به‌ترتیب به میدان شاه، جبه‌خانه و در مطبخ راه داشته است. به نظر می‌رسد باغ خورشید همان باغی بوده که مقصود شاردن بوده است (همان، ۷۹-۸۰). همان‌طور که در تصویر مشخص

است، دو باغ گلدسته و باغ خلوت نیز که پیش‌تر از آن‌ها صحبت شد، جنب این باغ قرار گرفته بودند که در مجموع اقامتگاه حرم شاهی را تشکیل می‌دادند (تصویر ۶).



تصویر ۶: نقشه تاریخی اصفهان بر اساس نقشه ۱۳۵۶ محمدمامین میرفندرسکی (مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی استان اصفهان)

آنچه از توصیف‌های شاردن برداشت می‌شود، افزودن بناهایی بسیار به مجموعه دولتخانه قدیم بوده که در زمان حکومت شاه‌عباس دوم اتفاق افتاده است. این مجموعه در زمان احداث یعنی زمان شاه‌عباس یکم تنها شامل باغی بزرگ موسوم به نقش جهان می‌شد که از مجموع سه باغ سروستان و نگارستان و گلدسته تشکیل شده بود که از میان آن‌ها تنها باغ هشت‌گوش گلدسته در زمان شاه‌عباس دوم دست‌نخورده باقی مانده بود. در غربی‌ترین بخش آن هم که عمارت درب دولت در ابتدای خیابان قرار داشت، بنا به توصیف‌های شاردن در زمان شاه‌عباس دوم همچنان باقی بود و در میدان و بناهای آن از جمله عالی‌قاپو که ابتدای تشکیلات سلطنتی در جداره غربی میدان را شامل می‌شد، تغییری رخ نداد. بنابراین به لحاظ وسعت، مجموعه دولتخانه تغییری نکرد، اما در زمان شاه‌عباس دوم کاخ‌ها و بناهای زیادی در آن احداث شد که با تخریب برخی از بناهای گذشته همراه بوده است.

۳.۵. عباس‌آباد ثانی: تلاشی برای احداث دولتخانه‌ای جدید در کرانه زاینده‌رود

علاوه بر تغییرات رخ داده در دولتخانه قدیم، در زمان شاه‌عباس دوم، ساخت‌وسازهایی در حاشیه زاینده‌رود اتفاق افتاد که گستره و روند توسعه اصفهان را تغییر داد. نقطه آغازین ساخت‌وسازهای مورد بحث عمارت آینه‌خانه بود که همان طور که در بخش ۴ به آن اشاره شد، در زمان شاه‌صافی و به دستور وی در کرانه جنوبی زاینده‌رود ساخته شد. این عمارت که مقدمه احداث باغی وسیع با نام «هزارجریب نو»^{۱۵}، «هزارجریب کوچک»، «عباس‌آباد ثانی» (وحیدقزوینی ۱۳۲۹، ۲۷۰) یا «سعادت‌آباد» (همان‌جا) بود، در مکانی ساخته شد که در آن زمان محله گبرآباد نام داشت؛ در زمان شاه‌عباس دوم طبق گفته وحیدقزوینی آن‌ها از آن مکان رانده و به جنوب محله جلفا منتقل شدند تا مقدمات احداث مجموعه‌ای نو پدید آید. همچنین وحیدقزوینی به این نکته اشاره کرده است که هدف از ساخت مجموعه باغ سعادت‌آباد ایجاد دولتخانه‌ای نو در کرانه زاینده‌رود بوده است (همان‌جا). شاردن هم به عبور زاینده‌رود از بین دو باغ هزارجریب نو و باغ دریاچه^{۱۶} اشاره

می‌کند؛ او به بخش‌های جنوبی و شمالی مجموعه به ترتیب با نام‌های «محلّه مردانه در یک سمت و محلّه زنانه در سمت دیگر» اشاره می‌کند که به وسیله یک پل به هم راه داشتند (شاردن ۱۳۷۲، ۲۲۷).

اما ساخت مجموعه باغی با بناهای بسیار در آن، مستلزم ایجاد زیرساخت‌های توسعه در شهر نیز بوده است تا دسترسی به مجموعه نوین را سریع‌تر و آسان‌تر کند. مهوش عالمی از قول تاورنیه، به احداث خیابانی اشاره می‌کند که از طریق پل حسن بیگ (پل خواجه) دولتخانه [قدیم] را به باغ هزار جریب نو پیوند می‌داد. تاورنیه این خیابان را با خیابانی که شاه عباس بزرگ ساخته بود مقایسه می‌کند و خاطرنشان می‌سازد که به رغم آنکه خیابان جدید عریض‌تر است، برخی از عناصر مهم باغی و معمارانه، نظیر جوی وسط و عمارت‌های زیبای سردر را ندارد (عالمی ۱۳۸۷، ۶۴).

هادی بن حبیب‌الله رمزی کاشانی (۱۰۴۰-۱۰۸۱)، شاعر دربار در دوره شاه عباس دوم نیز شرحی بر گردش در خیابان تا باغ هزار جریب نو را در مجموعه اشعارش با نام *رمز اللریاحین* ارائه می‌کند. او این بخش از شعر خود را با عنوان «تعریف راه هزار جریب نو» آغاز می‌کند که با توجه به توضیحات ارائه شده به نظر می‌رسد این راه همان خیابانی باشد که به سمت آینه‌خانه می‌رفت. با وجود این، رمزی وارد جزئیات ساختاری خیابان نشده و تنها به حضور نهال‌ها، گل‌ها و پرندگان در آن بسنده می‌کند^{۱۷} (رمزی کاشانی ۱۳۴۴، ۶۴). بلافاصله او باغ را از دور می‌بیند و به توصیف دورنمای باغ می‌پردازد. او از باغی محصور و دارای برج سخن می‌گوید^{۱۸} (همان). شهیدی مرنانی به بررسی نسخه دیگری پرداخته که در زمان شاه سلطان حسین صفوی سروده شده است؛ به گفته وی این منظومه که *گلزار سعادت* نام دارد، توسط میرزا محسن تاثیر سروده شده و توصیف نسبتاً دقیقی از باغ سعادت آباد ارائه کرده است (شهیدی مرنانی ۱۳۹۵، ۶۹)، اما اثری از خیابان یادشده در اشعار وی مشاهده نمی‌شود. علت آن این است که تأثیر از سردر جنوبی باغ سعادت آباد وارد می‌شود و به توصیف آن می‌پردازد؛ در حالی که از توصیف‌های رمزی چنین دریافت می‌گردد که مسیر پیموده شده توسط وی از سمت شمال به جنوب بوده است. خیابان منتهی به باغ سعادت آباد، که چهارباغ خواجه نام دارد در نقشه کست به خوبی نمایان است (تصویر ۱۳)؛ این خیابان از جایی در جنوب شرقی میدان نقش جهان آغاز و پس از عبور از محله‌های شهری به شرق باغ دریاچه می‌رسید و پس از عبور از پل حسن بیگ (خواجه) به جبهه شرقی باغ سعادت آباد راه می‌یافت.

طبق منظومه تأثیر سه باغ نظر، برج و طاوسخانه بر ساحل شمالی زاینده‌رود ساخته شده بودند که مکان آن‌ها حدفاصل سی‌وسه پل و پل خواجه بوده است (شهیدی مرنانی ۱۳۹۵، ۶۹)؛ بنابراین، سه باغ یادشده همان باغ دریاچه بودند که شاردن از آن‌ها به عنوان محلّه زنانه نام برده است.



تصویر ۷: باغ سعادت آباد در سفرنامه شاردن، که رودخانه آن را قطع می‌کرد و توسط پلی موسوم به پل جویی به هم ارتباط داشت

(ماخذ تصویر: Chardin 1711)

به نظر می‌رسد همان گونه که رمزی راه را به سوی هزارجریب نو می‌پیمود، به زاینده‌رود و پل حسن‌بیگ می‌رسد و آن‌گونه که از تشریح وی برداشت می‌گردد، وی پیش از دیدن پل، دورنمای هزارجریب نو را دیده است (رمزی کاشانی، قرن یازدهم قمری: نسخه خطی). رمزی با عنوان «در تعریف پل و دریاچه» وارد توصیف پل خواجو می‌شود. او برای توصیف این پل که هم‌زمان دارای کارکرد سد نیز بوده، تنها به اعجاب‌انگیز بودن بنای آن و نیز تاریخ احداث آن در ۱۰۶۶ق بسنده می‌کند و به راه خود برای رسیدن به باغ ادامه می‌دهد^{۱۹} (همان، ۶۴ و ۶۵). رمزی پس از توصیف خیابان مذکور و پلی که برای رسیدن به باغ از آن عبور می‌کند، ابتدا به درب چوبی باغ اشاره می‌کند، سپس به باغ وارد می‌شود و زیبایی‌های آن را برمی‌شمرد. این زیبایی‌ها شامل ساختار فضایی باغ نمی‌شود. بلکه به تعداد فراوان گل‌ها، درختان، رایحه خوش گل‌ها و پرندگان و حالات کیفی می‌پردازد که او با قرارگیری در باغ تجربه می‌کند. چنان‌که از اشعار رمزی برداشت می‌شود، این باغ پر از گل‌های متنوع بوده و در آن انواع درختان سرو و شمشاد و صنوبر وجود داشتند. در ادامه، رمزی به وصف درخت چنار می‌پردازد و چند بیت را به آن به‌عنوان مهم‌ترین درخت باغ از نظر خود اختصاص می‌دهد. در میان این توصیف‌ها تنها در دو بیت، اشاره به راهی در باغ می‌کند؛ لیکن او محل این خیابان و موقعیت قرارگیری آن نسبت به سایر اجزا را شرح نمی‌دهد؛ تنها به این نکته بسنده می‌کند که درختان چنار در حاشیه خیابان باغ قرار گرفته بودند، لذا به نظر می‌رسد مقصود وی همان خیابان اصلی داخل باغ باشد.^{۲۰} توصیف‌های رمزی از فضاهای باغ و نسبت آن‌ها با یکدیگر چندان روشن نیست، با وجود این او اطلاعات پراهمیتی را از خیابان چهارباغ خواجو به دست می‌دهد.

بخش جنوبی باغ سعادت‌آباد نسبت به زاینده‌رود، توسط شهیدی‌مارنانی به‌طور کامل مورد مطالعه قرار گرفته است؛^{۲۱} او با استناد به مثنوی گلزار سعادت، تأثیر تبریزی و مقایسه آن با تصویر مندرج در کتاب ژان شاردن (تصویر ۷) به توصیف بناها و الگوی این باغ پرداخته است. مطابق توصیف‌های وی، از سردر جنوبی باغ به‌ترتیب مهتابی دوری (بنایی برای سیر مهتاب در شب)، عمارت مثنی یا همان عمارت نمکدان قرار داشته است. عمارت نمکدان بنایی سه‌طبقه بوده است که از یک سو دید به باغ و به‌دلیل ارتفاع زیاد مشرف به رودخانه بوده است؛ وحیدقزوینی سال ساخت این بنا را ۱۰۷۰ق ذکر کرده است (وحیدقزوینی ۱۳۲۹، ۲۷۰). ویلیام اوزلی که در سال ۱۸۱۱ از جولای تا اکتبر به‌مدت دوازده هفته ساکن باغ‌های سلطنتی سعادت‌آباد بود، به شرح عمارت نمکدان می‌پردازد که به محل اقامت سفرا در آن زمان اختصاص داشت. به نظر او، این عمارت در عین زیبایی بسیار ناکارآمد بود. اما به نظر وی، باغ سعادت‌آباد زیباترین باغ اصفهان در آن زمان بود. او تصاویری از آن بنا از زوایای گوناگون ارائه می‌کند (Ouseley 1823, 21). این عمارت یک بنای هشت‌ضلعی بوده است که در دو ترسیم از اوزلی مشخص شده است (تصویر ۸).



Nemekdan, p. 20.



Nemekdan, p. 20.

تصویر ۸: راست: نمایی از عمارت نمکدان و حوض و فواره مقابل آن از خیابان اصلی باغ سعادت‌آباد دید به‌سمت شمال؛ چپ: نمایی دیگر از عمارت نمکدان با کوه‌های صفا در پس‌زمینه، دید به‌سمت جنوب (Ouseley 1825)^{۲۲}

پس از آن، به جدول فواره‌ها اشاره شده است که همان گونه که از نامش پیداست و در تصاویر ۷ و ۸ مشاهده می‌شود، جوی آبی است که خیابان اصلی باغ را می‌پیموده و از میان بناهای باغ نیز عبور می‌کرده است. شهیدی‌مارنانی

مطالعات معماری ایران

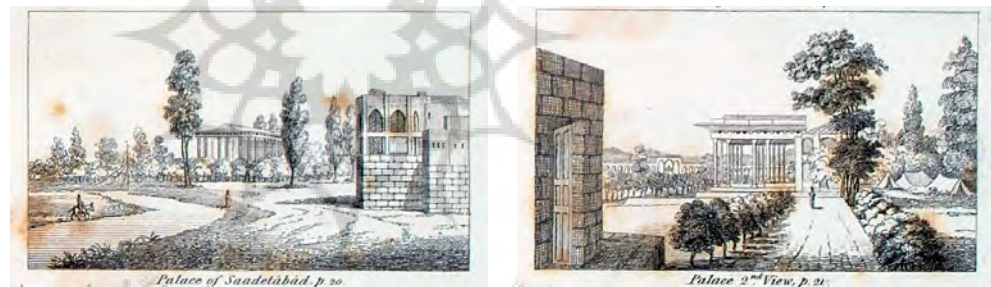
دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۱۷ - بهار و تابستان ۹۹

۱۳۴



تصویر ۹: عمارت نمکدان در دوره قاجار که در گذشته بخشی از باغ سعادت‌آباد بوده است (هولتسر ۱۳۸۲).

سپس از میدان چوگان و تالار کنار آن سخن گفته که در زمان شاه سلطان حسین به باغ افزوده شده و طبیعتاً در تصویر شاردن مشاهده نمی‌شود. این میدان در غرب عمارت نمکدان ساخته شده بود. سپس به عمارت آینه‌خانه و تالارهای سه‌گانه آن اشاره شده است که در حاشیه زاینده‌رود ساخته شده بود (شهیدی‌مارنانی ۱۳۹۵، ۷۳-۷۶). دیگر بنایی که در حاشیه زاینده‌رود ساخته شده بود، عمارت هفت‌دست نام داشت؛ طبق گفته تاورنیه «شاه عمارت نمکدان و قصر هفت‌دست را برای حرمتش اضافه کرد» (تاورنیه ۱۳۸۴، ۷۲). طبق مطالعات همایی، این مجموعه مشتمل بر هفت عمارت بوده که شش عمارت آن در حمله افغان‌ها و تنها عمارت باقی‌مانده آن نیز توسط ظل‌السلطان در سال ۱۳۱۸ ق تخریب می‌شود (همایی ۱۳۸۴، ۵۸۰). این بنا نزدیک‌ترین بنا به زاینده‌رود بوده و وحیدقزوینی از آن با نام «دولتخانه مبارکه» یاد کرده است (وحیدقزوینی ۱۳۲۹، ۲۷۰). شهیدی‌مارنانی مکان این مجموعه را در تصویر شاردن مشخص کرده است؛ این مجموعه در باغی واقع شده بود که از سه طرف جنوب و غرب و شرق محصور و شمال آن در نزدیکی زاینده‌رود ردیفی از درختان کاشته شده بود (شهیدی‌مارنانی ۱۳۹۵، ۷۸). ویلیام اوزلی عمارت هفت‌دست را حرم پادشاهان پیشین (صفوی) با اتاق‌هایی مزین به نقوش طلاکوب و نقاشی‌های فراوان توصیف کرده است. وی به این موضوع اشاره می‌کند که قصر به هیچ موضع دیگری از باغ سعادت‌آباد راه نداشته است (Ouseley 1823, 20). در ترسیم از اوزلی بخشی از تنها عمارت باقی‌مانده هفت‌دست در پیش‌زمینه تصویر مشاهده می‌شود. تالار آینه‌خانه هم به‌عنوان نزدیک‌ترین بنا به باغ و عمارت هفت‌دست در پس‌زمینه قابل مشاهده است (تصویر ۱۰). بنابراین، مجموعه هفت‌دست در باغی اختصاصی ساخته شده بود که دیدی مستقیم و بی‌واسطه به رودخانه داشته است و پل جویی که سال ساخت آن ۱۰۶۸ (همایی ۱۳۸۴، ۵۷۵) عنوان شده نیز درست مقابل این عمارت ساخته شده بود (تصویر ۱۱).



تصویر ۱۰: راست: ترسیم از اوزلی که در آن، تالار آینه‌خانه و پل خواجو دیده می‌شوند؛ دید از عمارت هفت‌دست؛ چپ: نمای دیگری از تالار آینه‌خانه که در آن زاینده‌رود و بخشی از عمارت هفت‌دست در بخش پیشین تصویر مشخص است (Ouseley 1825)^{۳۳}



تصویر ۱۱: راست: نمایی از تالار آینه‌خانه در حاشیه زاینده‌رود؛ چپ: نمایی از عمارت هفت‌دست و پل جویی در مقابل آن (هولستر ۱۳۸۲).

آنچه در حاشیه زاینده‌رود با عنوان باغ سعادت‌آباد توسط شاه‌عباس دوم احداث شد، یک باغ واحد با الگویی ساده نبود؛ این باغ مجموعه وسیعی از بناها و باغ‌های متصل به هم را تشکیل می‌داد که هدف از احداث آن حضور شاه در

حاشیه زاینده‌رود عنوان شده است. بنابراین، بخش‌هایی از باغ که دید به سمت رودخانه داشت، فاقد حصار بود. شاه‌عباس دوم تلاش کرده بود با احداث دو پل جویی و خواجه بر روی رودخانه و احداث مجموعه عباس‌آباد ثانی یا سعادت‌آباد بیشترین بهره را از منظر طبیعی زاینده‌رود ببرد.

۶. بحث: تحلیل فضاهای سلطنتی شکل گرفته در اصفهان از زمان شاه‌عباس یکم تا پایان دوره شاه‌عباس دوم

در بخش‌های پیشین تلاش شد تا توضیح کاملی از آنچه در اصفهان در بازه زمانی حکومت شاه‌عباس یکم تا زمان شاه‌عباس دوم رخ داد، ارائه شود. طبق آنچه گفته شد، اقدامات شاه‌عباس یکم از زمان پایتختی اصفهان نه تنها با احداث میدان و ملحقات آن سبب اتصال شهر به بخش سلجوقی آن گردید بلکه احداث خیابان چهارباغ که یک خیابان شمالی جنوبی بود، سبب توسعه عمودی شهر اصفهان تا باغ هزارجریب شد. از سوی دیگر در دوران حکومت چهارده‌ساله زمان شاه‌صفی نخستین تلاش‌ها به منظور احداث بخشی از دستگاه سلطنتی در حاشیه جنوبی زاینده‌رود واقع در محله گبرآباد با احداث تالار آینه‌خانه به سرانجام رسید.

با به قدرت رسیدن شاه‌عباس دوم در سال ۱۰۵۲ق ضمن آنکه تغییراتی در دولتخانه قدیم واقع در غرب میدان نقش جهان به دستور وی اتفاق افتاد، مجموعه باغ عباس‌آباد ثانی یا سعادت‌آباد در نزدیکی تالار آینه‌خانه احداث شد. طبق توصیف وحیدقزوینی: «... به مقتضای این معنی درین سال کوکب‌اقبال گبرآباد دارالسلطنه اصفهان از ویال درآمده منظور نظر تربیت گردید و امر فرمودند که طرح دولتخانه مبارکه در باغی که متصل به باغ سعادت و مشرف بر دریاچه زنده‌رود و پل جدید بود کرده شود و چون بودن گبران در آن مکان بعد از آنکه منظور نظر استحسان اعلیحضرت ظل رحمن گردید مناسب نبود مقرر شد که زمینی در جنب جولا در عوض به آن جماعت داده اعیان را امرای عظام و خاصان ذوی‌الاحترام به قیمت واقعی خریداری نموده هر یک منزلی مناسب حال خود بنا نمایند» (وحیدقزوینی ۱۳۳۹، ۲۷۰).

وحیدقزوینی در شرح خود از باغ سعادت‌آباد به دلیل انتخاب مکان ساخت آن نیز اشاره می‌کند که همان وجود عنصر طبیعی رودخانه بوده است: «الحق عمارتی که در این مکان نزهت‌بنیان زینت اتقان یافته بهشتی در ارتفاع و اعتلا به‌مثابه آسمان و آسمانی‌ست در صفا و فضا مماثل روضه رضوان از جانب شرقی دریاچه فسیح‌الفضای زنده‌رودش در زیر پاست و از طرف غربی باغ همیشه‌بهارش جلوه‌فروش و دلربا...» (همان). شاردن نیز خاطر نشان می‌کند که «آنچه شاه ساخته از حیث وسعت شگرف است زیرا محیط بناها و باغ‌ها به اندازه یک فرسخ و رودخانه از وسط آن می‌گذرد» او هدف از بنای چنین باغی در حاشیه رودخانه را انجام مراسم آتش‌بازی در طرف دیگر رودخانه می‌داند؛ زیرا طبق گفته او شاه‌عباس دوم تماشای آتش‌بازی را از راه دور می‌پسندید (شاردن ۱۳۷۲، ۲۲۷).

باغ سعادت‌آباد، فضایی مشتعل بر بناها و باغ‌های وسیع بود که بر دو کرانه شمالی و جنوبی زاینده‌رود احداث شد و بناهای بسیاری از آن به حرم و محل استقرار شاه و نیز دولتخانه وی اختصاص داشت. شاه‌عباس دوم با احداث خیابان چهارباغ خواجه که درباره آن توضیح داده شد و پل‌های خواجه و جویی مسیره‌ای دسترسی و رفت‌وآمد به دولتخانه جدید و عبور و مرور بین دو بخش باغ سعادت‌آباد را تسریع و تسهیل نمود. تصاویر ۱۲ و ۱۳ سیر تحول شکل‌گیری و توسعه دستگاه سلطنتی را در دوره صفویه نشان می‌دهند.

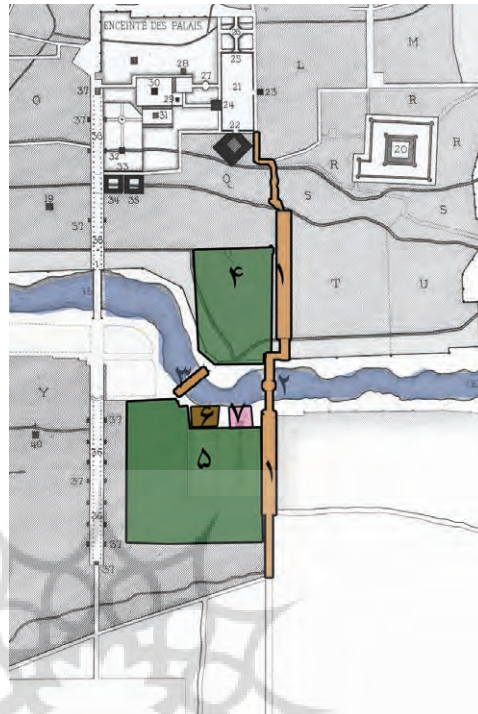
به نظر می‌رسد آنطور که برخی محققان به آن اشاره کرده‌اند و در بخش پیشینه تحقیق به آن اشاره شد، بخش اعظم تلاش‌های شاه‌عباس یکم از اندیشه‌های سیاسی و مذهبی او در به نمایش گذاشتن قدرت و اقتدار خویش به‌عنوان پادشاه نشئت گرفته بود. او این اقتدار را با توسعه وسیع شهر اصفهان به سمت جنوب با گذر از زاینده‌رود و با ساختن باغ وسیع هزارجریب در نزدیکی کوه صفا به نمایش گذاشت. در همین رابطه، او فضاهای شهری از جمله میدان، خیابان و باغ‌های متعدد را بنا نهاد و توانست از آن‌ها به‌عنوان ابزار نمایش قدرت بهره‌گیرد. بنابراین همان‌طور که در تصویر ۱۲ و مقایسه آن با تصویر ۱۳ مشاهده می‌گردد، در دوره‌های بعد، هرگز اصفهان چنین توسعه‌ای را به‌لحاظ وسعت شاهد نبود. در بخش ۳ مقاله حاضر به این موضوع اشاره شد که سه محله عباس‌آباد برای ترک‌ها، جلفا برای ارمنه و گبرآباد برای زرتشتیان در زمان

شاهعباس یکم در کرانه زایندهرود با خانه‌هایی زیبا و اعیانی ساخته شد. بنابراین، به نظر می‌رسد توسعه شهر در کرانه زایندهرود در دستور کار شاهعباس یکم نیز بوده است؛ اما او هیچ بنای سلطنتی برای سکونت و یا انجام امور دیوانی خود در آنجا نساخت. با نزدیک شدن به اواخر دوره صفویه، نوع دیگری از توسعه توسط پادشاهان صفوی از جمله شاهصفی و شاهعباس دوم مشاهده می‌شود و آن توجه به کرانه زایندهرود است. توسعه بخش حکومتی در حاشیه زایندهرود محصول عمل جانشینان شاهعباس یکم از جمله شاهصفی و شاهعباس دوم بود. به نظر می‌رسد آنچه قزوینی و نیز شاردن از فضای باغ وسیع سعادت‌آباد نقل می‌کنند، گواهی باشد بر این مدعا که پس از شاهعباس یکم، جانشینان وی در صدد ایجاد باغ‌های حومه‌ای بیشتر و فضاهایی برای تفریح و لذت بیشتر برآمدند. در این باغ، دید و منظر اهمیت زیادی پیدا می‌کرد. بنابراین، طبق آنچه قزوینی می‌گوید عمارت بلندمرتبه‌ای که از یک سو دید به منظر رودخانه و از سوی دیگر به منظر باغ داشت، توسط شاهعباس دوم ساخته شد (وحیدقزوینی ۱۳۲۹، ۲۷۰)؛ منظور قزوینی همان عمارت چندطبقه نمکدان است که دید مناسبی را در دو جهت یعنی باغ سعادت و رودخانه مهیا می‌ساخت. علاوه بر آن، شاهعباس دوم عمارت هفت‌دست را که مخصوص حرم بود، به‌گونه‌ای در حاشیه زایندهرود احداث کرد که از سه جهت محصور و از جهت شمال که رو به سوی زایندهرود داشت، بدون دیوار باشد (تصویر ۷). او همچنین دولتخانه خود را به این بخش که با طبیعت بکر نزدیکی بیشتری داشت، منتقل کرد و در حاشیه زایندهرود اقدام به تماشای مراسم تفریحی و یا مذهبی می‌نمود. از سوی دیگر در همین بخش از مقاله، به اشاره وحیدقزوینی و شاردن به علاقه شاهعباس دوم به مشاهده مراسم آتش‌بازی از سوی دیگر زایندهرود اشاره شد.

آنچه تاکنون مورد بررسی قرار گرفت، حکایت از تغییر رویکرد در جانشینان شاهعباس یکم دارد؛ این موضوع را از گستره ساخت‌وسازها و توسعه کالبدی شهر در تصاویر ۱۲ و ۱۳ نیز می‌توان دریافت کرد. رویکرد جانشینان شاهعباس یکم برخلاف وی که مهم‌ترین انگیزه‌اش از ساخت‌وسازهای شهری نمایش قدرت و اقتدار بود، به‌سمت بهره‌گیری هرچه بیشتر از شرایط محیطی برای لذت‌جویی و برگزاری جشن‌ها و مراسم باشکوه سلطنتی بود. این شرایط به‌وسیله بستر طبیعی زایندهرود و کرانه آن به‌خوبی مهیا شده بود. به همین منظور، شاه تلاش کرد تا با احداث دولتخانه‌ای جدید در حاشیه آن و بهره‌گیری از هر دو جانب زایندهرود به هدف خود دست یابد.



تصویر ۱۲: توسعه گستره سلطنتی در زمان شاهعباس یکم بر اساس نقشه ۱۸۴۰م پاسکال کست: ۱. میدان نقش جهان، ۲. مسجد شیخ لطف‌الله، ۳. مسجدشاه، ۴. سردر قیصریه، ۵. باغ جهان‌نما، ۶. سردر عالی‌قاپو، ۷. عمارت درب دولت، ۸. خیابان چهارباغ، ۹. باغ‌های شاهی، ۱۰. سی‌وسه پل، ۱۱. باغ‌های اشراف، ۱۲. هزارجریب، ۱۳. محله گبرآباد، ۱۴. محله جلفا، ۱۵. محله عباس‌آباد



تصویر ۱۳: افزوده‌های شاه‌صفی و شاه‌عباس دوم به گستره سلطنتی اصفهان بر اساس نقشهٔ ۱۸۴۰م پاسکال کست. ۱. چهارباغ خواجو، ۲. پل خواجو، ۳. پل جویی، ۴. باغ دریاچه، ۵. باغ سعادت‌آباد، ۶. عمارت هفت‌دست، ۷. کاخ آینه‌خانه

نتیجه

در تحقیق حاضر به این موضوع اشاره شد که مطالعات فراوانی در حوزهٔ اصفهان صفوی انجام شده است. از سوی دیگر توجه به این موضوع که تغییر در بینش و رویکرد پادشاهان یک سلسله طی یک بازهٔ زمانی هفتادساله چگونه می‌تواند در شکل‌گیری اجزا و عناصر شهری جدید دخیل باشد، پراهمیت به نظر می‌رسید. در زمان شاه‌عباس یکم، صفوی‌ها در اوج قدرت قرار داشتند. این موضوع در منش و خط مشی شاه‌عباس یکم در حوزه‌های گوناگون به‌خوبی نمایان است؛ یکی از گستره‌هایی که شاه تلاش کرده قدرت خود را نمایان سازد، شیوهٔ احداث پایتختی متصل به شهر سلجوقی و در جنوب آن بود. چنان‌که در بخش‌های پیشین بدان اشاره شد، بلندپروازی و وسعت دید شاه‌عباس یکم در طراحی شهر و افزودن بخش‌های جدید از جمله میدان، خیابان و باغ‌های سلطنتی به آن تا حدی بود که شهر اصفهان از زاینده‌رود عبور کرد و تا نزدیکی کوه صفا تداوم یافت. همچنین احداث محله‌هایی نوین در حاشیهٔ زاینده‌رود، حکایت از برنامهٔ شاه‌عباس یکم در گسترش کالبدی شهر در این مناطق دارد. بنابراین، در این دوره گسترش کالبدی شهر اصفهان بیش از هر زمان دیگری مشهود است.

در زمان شاه‌صفی و شاه‌عباس دوم، دیگر اثری از تلاش این پادشاهان در جهت افزودن بر گسترهٔ کالبدی شهر مشاهده نمی‌شود. این موضوع احتمالاً به دلیل تغییر رویکرد در کشورداری و توجه بیشتر آن‌ها به لذت‌جویی بوده است. به نظر می‌رسد تلاش‌های آن دو بیشتر در جهت احداث بناها و کاخ‌های جدید برای اقامت خود و حرمان و نیز برپایی مراسم و جشن‌ها در شهر بود. آن‌ها حاشیهٔ زاینده‌رود را به همین منظور برگزیدند؛ همان گونه که ذکر شد شاه‌عباس دوم به تماشای آتش‌بازی از سوی دیگر آن علاقه داشت. نقش زاینده‌رود به‌عنوان یک منظر طبیعی در ساخت‌وسازهای سلطنتی در این دوره بسیار پررنگ به نظر می‌رسد. بنابراین، توجه از گسترش شهر در دورهٔ جانشینان شاه‌عباس یکم به توجه به وسعت بخشیدن به بناهای سلطنتی در حاشیهٔ زاینده‌رود معطوف شد. توسعه‌های شهری از جمله بنای خیابان چهارباغ خواجو و پل‌های خواجو و جویی نیز مبتنی بر ایجاد زیرساخت‌های مناسب برای سهولت دسترسی به باغ و دولتخانهٔ سعادت‌آباد در حاشیهٔ زاینده‌رود بود.

پی‌نوشت‌ها

۱. «و در اکثر ممالک، عمارات عالی از مساجد و مدارس و بقاع الخیر و منازل فرحبخش دلگشا و باغات و بساتین فردوس نما طرح نموده با تمام آن موفق شده‌اند» (ترکمان ۱۳۴۸، ۱۱۱۰).
2. William Ouseley
۳. برای اطلاعات بیشتر نک: Alemi 1986; 1994؛ عالمی ۱۳۸۵؛ ۱۳۸۷.
۴. برای اطلاعات بیشتر نک: The Ministry of Culture and Arts of Iran. 1976. *Isfahan, the City of Light*. این کتاب به کوشش دکتر باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی و توسط وزارت فرهنگ و هنر وقت به چاپ رسید.
۵. تاریخ عالم‌آرای عباسی در سال ۱۰۲۵ به مناسبت پایان سی‌امین سال حکومت شاه‌عباس تألیف شد. بنابراین آغاز حکومت وی در سال ۹۹۵ق اتفاق افتاده و سال ۱۰۰۶ یازدهمین سال نشستن وی بر تخت سلطنت بوده است (نک: مقدمه تاریخ عالم‌آرای عباسی).
- ۶ «شاه یومیه به میدان می‌آید و بعضی اوقات اشخاصی را در آنجا به حضور می‌پذیرد و بعضاً اسب را به این سمت و آن سمت می‌راند و گاهگاه بعضی‌ها را طرف خطاب قرار می‌دهد و احياناً افرادی را احضار و آن‌ها را وسط میدان به صرف غذا و نوشیدنی دعوت می‌کند، گاهی نیز در میان کرنش و تعظیم و تکریم همراهان به این طرف و آن طرف می‌رود، ولی بیشتر اوقات مایل به دیدار هیچ‌کس نیست و میل دارد تنها به بازار رود تا ببیند مردم چه می‌کنند» (دلواله ۱۳۴۸، ۴۶ و ۴۷).
۷. نک: ترکمان ۱۳۴۸، ۸۳۸.
۸. طبق گفته اسکندریبگ، باغ‌ها و خانه‌های بالادست رودخانه متعلق به شاه و خانه‌ها و باغ‌های پایین‌دست آن متعلق به امرا و اشراف آن زمان بوده است.
۹. این بنا بیشتر به‌منظور تماشای مراسم رسمی توسط اهل حرم از جمله جشن آب‌پاشان بود که عموماً در خیابان انجام می‌شد (همان، ۷۸۸).
۱۰. «محل تماشایی دیگر اصفهان خیابانی است که فعلاً در خارج از شهر قرار دارد، ولی وقتی که محلات جدید همان طور که به آن اشاره کردم به یکدیگر ملحق شود، کاملاً در وسط قرار خواهد گرفت» (دلواله ۱۳۴۸، ۳۹).
۱۱. «و شهر عباس‌آباد که در جانب غربی بیرون شهر صفهان جهت مسکن تبریزیان احداث شده در غایت صفا و نزهت و خرمی و جداول آن رشک روضه رضوان و شهره جهان است...» (ترکمان ۱۳۴۸، ۱۱۱۰ و ۱۱۱۱).
۱۲. باید توجه داشت که حرکت نویسنده از سوی شمال به جنوب پل الله‌وردیخان یا سی‌وسه پل بوده است؛ در واقع هر دو محله عباس‌آباد یا تبریزیان و محله جلفا در سمت چپ زاینده‌رود و به‌ترتیب در شمال و جنوب آن واقع شده‌اند. محله زرتشتیان در سمت راست و جنوب رودخانه قرار داشت.
۱۳. این منزل در محله جلفا بوده است.
۱۴. ژان شاردن (Jean Chardin) که در زمان شاه‌عباس دوم و شاه سلیمان جمعاً سه بار به ایران سفر می‌کند، به‌مدت دوازده سال در آن اقامت می‌کند و شرح مفصلی از دربار صفوی در آن دوران را در سفرنامه خود ارائه می‌دهد.
۱۵. نک: رمزی کاشانی ۱۳۴۴.
۱۶. در بخش شمال باغ هزارجریب نو در کرانه شمالی زاینده‌رود، باغ دریاچه ساخته شد که به‌گفته شهیدی‌مارنانی، این دو باغ به‌عنوان باغی واحد عمل می‌کردند که رودخانه از میان آن‌ها می‌گذشت (شهیدی‌مارنانی ۱۳۹۵، ۶۸).
۱۷. رهی دیدم مصفا چون ره دل / از آن ره رفته خواهش تا به منزل
به هر سویس نهالان دوش بر دوش / چو مستان از شراب ناز مدهوش
به هر سنگی خوش‌آهنگی ز مرغان / به هر کامی گلی از ناز خندان
ز بوی گل در آن ره همچو مستان / همی رفتیم با هم شاد و خندان
۱۸. به ناگه شد نمایان باغی از دور / به مانند سواد دیده پرنور
مگویش باغ جنت می‌توان گفت / ره او را به مژگان می‌توان سفت
سوادش سبز و خرم چون خط یار / ازو صد رنگ گل گشته نمودار

- فلک سرگشته باد بهارش / ز ما نه دوری از برج حصارش
۱۹. ز گوهر پیش راه آب گوهر/ کجا بست این چنین سدی سکندر
بنایش ساخته معمار عالم/ چو عهد عاشق غم دیده محکم
چو آن آرامگاه فیض دیدم/ دمی آنجا ز شادی آریمدم
همین حیرت به حیرت می فرودم/ به فکر مصرع تاریخ بودم
گذشت از آب عقل و گفت چون در/ همین دریاچه شد ز آب گهر پر
از آنجا هم به شیدایی گذشتیم/ از آن سد (۱۰۶۶) گذشتیم
تمنای دل پرداغ کردیم/ دماغ آشفته عزم باغ کردیم
۲۰. برای اطلاعات بیشتر نک: رمزی کاشانی ۱۳۴۴.
۲۱. برای اطلاعات بیشتر نک: شهیدی مارنانی ۱۳۹۵.
۲۲. این تصاویر از آرشیو شخصی دکتر فرهاد فخارتهرانی اخذ شده است.
۲۳. این تصاویر از آرشیو شخصی دکتر فرهاد فخارتهرانی اخذ شده است.

منابع

- آیت‌الله‌زاده شیرازی، باقر. ۱۳۸۲. ایران و جهان اسلام از نگاه اصفهان در شهرموزه نقش جهان. اثر (۳۵): ۳-۲۲.
- برنیولی، ژان. ۱۳۸۵. شهرسازی سلطنتی اصفهان. ترجمه داود طبایی. گلستان هنر ۲ (۳): ۷۱-۶۰.
- تاورنیه، ژان باتیست. ۱۳۸۴. سفرنامه تاورنیه. ترجمه حمید ارباب‌شیرانی. تهران: نیلوفر.
- ترکمان، اسکندربیک (۹۶۸-۱۰۴۳ ق). ۱۳۴۸. تاریخ عالم‌آرای عباسی. به کوشش ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
- ترکمان، اسکندربیک، و محمدیوسف مورخ. ۱۳۱۸. ذیل تاریخ عالم‌آرای عباسی. به کوشش احمد سهیلی خوانساری. تهران: کتاب‌فروشی اسلامیه.
- دلاواله، پیترو. ۱۳۴۸. سفرنامه پیترو دلاواله. ترجمه شعاع‌الدین شفا. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- رمزی کاشانی، محمدهادی. ۱۳۴۴. رمز الریاحین؛ در وصف اصفهان و مناظره گل‌ها. تصحیح ایرج افشار. وحید ۳ (۱): ۵۷-۶۳.
- _____ . قرن ۱۱ ق. رمز الریاحین، نسخه خطی. تهران: کتابخانه ملک.
- شاردن. ژان. ۱۳۴۵. سیاحتنامه شاردن. ترجمه محمد عباسی. تهران: امیرکبیر.
- _____ . ۱۳۷۲. سفرنامه شاردن. ترجمه حسین عربی. با مقدمه فضل‌الله صلواتی. تهران: گل‌ها.
- شهیدی‌مارنانی، نازنین. ۱۳۹۵. باغ سعادت‌آباد اصفهان در آینه مثنوی گلزار سعادت. مطالعات معماری ایران ۵ (۹)، دانشگاه کاشان: ۶۷-۸۴.
- عالمی، مهوش. ۱۳۸۵. باغ‌های دوره صفویه: گونه‌ها و الگوها. ترجمه محسن جاوری. گلستان هنر (۵): ۷۲-۹۱.
- _____ . ۱۳۸۷. باغ‌های شاهی صفوی، صحنه‌ای برای نمایش مراسم سلطنتی و حقانیت سیاسی. ترجمه مریم رضایی‌پور و حمیدرضا جیحانی. گلستان هنر (۱۲): ۴۷-۶۸.
- عمرانی‌پور، علی، و اصغر محمدمرادی. ۱۳۹۰. سیر تحول محیط زاینده‌رود و تعامل آن با شهر تاریخی اصفهان (تا پایان عصر صفوی). صفا ۲۱ (۴): ۱۷۱-۱۸۴.
- فیگوئرا، گارسید سیلوا. ۱۳۶۳. سفرنامه دن گارسید سیلوا فیگوئرا در دربار شاه‌عباس اول. ترجمه غلامحسین سمیعی. تهران: نو.
- همایی، جلال‌الدین. ۱۳۸۴. تاریخ اصفهان: ابنیه و عمارات. به کوشش ماهدخت‌بانو همایی. تهران: هما.
- هنرفر، لطف‌الله. ۱۳۵۰. گنجینه آثار تاریخی اصفهان. تهران: فرانکلین.
- هولتسر، ارنست. ۱۳۸۲. هزار جلوه زندگی: تصویرهای ارنست هولتسر از عهد ناصر. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- وحیدفروینی، محمدهاگر بن حسین (۱۱۲۰ ق). ۱۳۲۹. عباسنامه، یا شرح زندگانی ۲۲ ساله شاه‌عباس ثانی. به کوشش ابراهیم دهگان. تهران: کتاب‌فروشی داوودی.

- ورهرام، غلامرضا. ۱۳۷۱. دارالسلطنه اصفهان. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی (۲۶): ۳۷۲-۳۹۰.

- Alemi, Mahvash, 1994. *Il Giardino Persiano: tipi e modelli. Il Giardino Islaico (Architettura e arte dei giardini)*. By Attilio Petruccioli. Published by Edizioni Electa: 39-62.
- ----- . 1986. *Chaharbagh. Environmental Design*. Carucci Editore Roma: 1-19.
- Spooner, Brian. 1974. City and River in Iran: Urbanization and Irrigation of Iranian Plateau. *Iranian Studies*. Vol 7. No. 3/ 4: 681-713.
- Ouseley, William. 1825. *Travels in Various Countries of the East; Most Particularly Persia*. London: Rodwell and Martin Pub.
- 1976. *Isfahan, the City of Light*. The Ministry of Culture and Arts of Iran. London: British museum.
- Chardin, John. 1711. *Voyages de Monsieur le Chevalier Chardin en Perse et Autres Lieux de l'Orient*. Amsterdam: J.L.de Lorme.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۱۷ - بهار و تابستان ۹۹